

Elevation shoving of Islamic awakening in full-faced mirror of Islamic revolution

Rahim Amraee*

Abstract

The thought and way of looking at the world of nations affects their lifestyle and Iranian society has spent many centuries under the influence of deep thought and ideology. How effective is ideology in the approach of societies and the occurrence of revolutions? And that the ideological view is an obstacle to thinking and transformation and freedom in behavior? Or, on the contrary, is it based on thinking and evolution, which is generative and exalting for societies? It is a controversial issue that, as an answer to the analytical-descriptive method, after referring to the system of fourth-generation revolutions from the perspective of thinkers, the effect of the divine worldview on the occurrence of the Iranian revolution and how to achieve freedom and dismantle the authoritarian system based on thinking and ideology We explain divinely. Iran is one of the revolutionary societies that, while being influenced by the general current of awakening in the past, with its great and lasting ideological revolution, has become a strong explanation for the elevation of Islamic nations. In this article, it is examined that real religious ideology can provide the causes of ideological and political transformation against tyranny and dependence, and Iran's pioneering in confronting tyranny and colonialism was an expression of the high capacity of the spirit of freedom in Iran, and the history of the Islamic Revolution is an explanation. And the main inducer of authoritarianism is in the form of awakening in the Islamic world.

Keywords: explain, Islamic awakening, elevation, ideological revolution, freedom, opposing dictatorial.

* Assistant Professor of Islamic Education and Training, Farhangian University, Kermanshah, Iran,
r.amraie@cfu.ac.ir, 0000-0002-8266-346x

Date received: 19/02/2023, Date of acceptance: 19/01/2024





پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

تبیین تعالی بیداری اسلامی در آینه تمام‌نمای انقلاب اسلامی

رحیم امرایی*

چکیده

اندیشه و نوع نگاه ملت‌ها به جهان، تاثیرگذار بر سبک زندگی آنها است و جامعه ایران تحت تاثیر اندیشه و ایدئولوژی عمیق، قرون متمادی را سپری نموده است. اینکه ایدئولوژی تا چه حد در رویکرد جوامع و وقوع انقلاب‌ها تاثیرگذار است؟ و اینکه نگاه ایدئولوژیک مانع تفکر و تحول و آزادی در رفتار است؟ یا به عکس، بر مبنای تفکر و تکامل‌زا و تعالی بخش برای جوامع است؟ مساله‌ای اختلافی است که در مقام پاسخ با روش تحلیلی-توصیفی، پس از اشاره به نظام انقلاب‌های نسل چهارم از منظر متفکران، تاثیر جهان بینی الهی بر وقوع انقلاب ایران و چگونگی دستیابی به آزادی و برچیدن نظام استبدادی را بر اساس تفکر و ایدئولوژی الهی، تبیین می‌کنیم. ایران از جوامع انقلابی است که در عین تاثیرپذیری از جریان کلی بیداری در گذشته، با انقلاب ایدئولوژیک و بزرگ و ماندگار خود، به تبیین گری قوی برای اعتلای ملل اسلامی تبدیل شده است. در این مقاله بررسی می‌شود که ایدئولوژی مذهبی واقعی می‌تواند موجبات تحول اندیشه‌ای و سیاسی علیه استبداد و وابستگی را فراهم سازد و پیشگامی ایران در مقابله با استبداد و استعمار، بیانگر ظرفیت بالای روح آزادی در ایران بود و تاریخ انقلاب اسلامی، تبیین‌گر و القاکنده اصلی استبدادستیزی در قالب بیدارگری در جهان اسلام است.

کلیدواژه‌ها: تبیین، بیداری اسلامی، تعالی، انقلاب ایدئولوژیک، آزادی، استبدادستیزی.

۱. مقدمه و بیان مسئله و روش تحقیق

نگاه سطحی به تمدن غربی انسان را مجذوب ظواهر فریبنده‌ی آن می‌کند و معمولاً دو اشکال و نقد عمده از جانب جریان غربگرا به انقلاب اسلامی ایران و هر نوع انقلابی که در صدد

* استادیار گروه معارف و تربیت اسلامی، دانشگاه فرهنگیان، کرمانشاه، ایران، r.amraie@cfu.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۱/۳۰، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۰/۲۹



احیای دین و سنت در جامعه باشد؛ مطرح می شود. در این جا این دو اشکال را مطرح و سعی می کنیم به آن ها پاسخ دهیم.

اشکال اول: چنین انقلاب هایی، ایدئولوژیک هستند و حاکمیت ایدئولوژی مانع فضای باز تفکر و تنفس اندیشه در جامعه می شود که بن مایه این نگاه برگرفته از تفکر اشتباه «تعارض علم و دین» است. آیا انقلاب اسلامی بر اساس این نگاه، انقلابی ایستا است یا دارای تحول و پویایی و احیاء برای جامعه خود و یا دیگران است؟

اشکال دوم: آزادی در انقلاب های ایدئولوژیک بسیار محدود می شود و انسان نمی تواند میل خود را آن گونه که می خواهد آزادانه ارضا نماید. فرضیه اولیه ای که با روش توصیفی و تحلیلی در پی تقریر آن هستیم، تحول آفرینی و تعالی بخشی انقلاب ایدئولوژیک اسلامی است.

۲. پیشینه و نوآوری

دکتر ملکوتیان در «نظریه های انقلاب»، به انقلاب های غیر ایدئولوژیک و ایدئولوژیک از منظر متفکران این علم می پردازد و تمرکز بیشتری بر تبیین نظریات غربی از انقلاب ها در این کتاب دارند از جمله اینکه «تدا اسکاچپول» پس از پذیرفتن تاثیر ایدئولوژی در انقلاب ها، نظریه خود را در مقاله «حکومت تحصیل دار و اسلام شیعی در انقلاب ایران»، نارسا معرفی می کند، به این معنا که جهان بینی در وقوع انقلاب دینی تاثیرگذار است (ملکوتیان، ۱۳۹۵: ۱۴۸) همچنین جان فوران و جک گلدستون، قائل به ورود محافل علمی و دانشگاهی غرب به نسل چهارم نظریه های انقلاب، که «انقلاب های فرهنگی و آرمانگرا و ایدئولوژیک» باشند؛ پرداخته اند (ملکوتیان، ۱۳۹۷: ۹۸-۹۹). نوآوری ما در این مقاله پرداختن به تاثیر نگاه ایدئولوژیک در انقلاب است و اینکه در انقلاب های فرهنگی، نه تنها نگاه ایدئولوژیک تاثیرگذاری بسیار بالا در تعالی بخشی دارد؛ بلکه آزادی واقعی هم در بستر ایدئولوژی صحیح دینی و استقرار آن، امکان تحقق دارد و اینکه جریان بیداری اسلامی، از وقوع انقلاب ایران، حیات دوباره یافت.

«اسلاوی ژیتزک» متفکر و فیلسوف اسلوونیایی یکی از متفکران غربی است که تحت تاثیر فلسفه و روانشناسی ژاک لاکان (فیلسوف و روانکاو فرانسوی) در زمینه ی چستی ایدئولوژی و ماهیت میل، تحقیق و غور نموده است. دیدگاه او در این خصوص عمیقاً تحت تاثیر نظریه ی ژاک لاکان در خصوص ارتباط میان ناخودگاه و زبان است. در این دیدگاه، ساختار ناخودگاه بشر بر زبان که همان "دیگری بزرگ" نام دارد استوار است و انسان از همان اوایل کودکی، به

محض وارد شدن به دنیای زبان، ناخودآگاهش تحت حاکمیت "دیگری بزرگ" یا زبان قرار می‌گیرد. اگر ایدئولوژی را به معنای داشتن یک سری اصول و پیش فرض تعریف کنیم (همان گونه که مراد منتقدان غرب گرا از ایدئولوژی نیز عمدتاً همین است) طبق دیدگاه لاکان و ژیرک از ناخودآگاه، هیچ انسانی ذاتاً نمی‌تواند تهی از ایدئولوژی باشد؛ چرا که ناخودآگاه هر انسانی مبتنی بر "دیگری بزرگ" یا همان زبان است. از طرف دیگر، چنین نیست که ساختار حکومتی جوامع غربی، تهی از ایدئولوژی باشد. حتی قوانین حکومت‌هایی که مدعی دموکراسی اند، سرشار از ایدئولوژی است.

ژیرک بر همین مبنا، معنای رایج آزادی میل در غرب را به چالش می‌کشد و معتقد است ماهیت میل در انسان را نیز همان "دیگری بزرگ" تشکیل می‌دهد و بنابراین میل هیچ انسانی ذاتاً از خودش نیست. لذا هر انسانی تا زمانی که به این حقیقت نرسیده است که بازیگر میل "دیگری بزرگ" است همچنان برده خواهد ماند (ژیرک، ۱۳۹۰: ۱۵۳-۱۴۷) شبیه همین سخن را ژاک لاکان مطرح کرده است آنجا که می‌گوید:

"خوشبختی» به معنای برآورده شدن آرزوهایمان نیست، بلکه به معنای پیگیری و به رسمیت شناختن «میل حقیقی مان» است. " (لاکان، ۱۴۰۲: ۴۷).

بنابراین می‌توان گفت ایدئولوژیک نامیدن انقلاب اسلامی و غیر ایدئولوژیک نامیدن حکومت‌های غربی از اساس وجهی ندارد چرا که هیچ حکومت و هیچ انسانی نمی‌تواند بدون ایدئولوژی فکر کند. زیرا ایدئولوژی از ذاتیات امری همگانی به نام زبان یا "دیگری بزرگ" است و فکر و اندیشه بدون زبان امکان ندارد.

بی‌بندباری و آزادی ارضای امیال در جوامع غربی نیز هیچ نشانی از آزادی حقیقی ندارد. چرا که تبعیت از میل به معنای تبعیت از "دیگری بزرگ" است و در واقعیت، صرفاً میل "خود" انسان نیست و هرچه انسان در ارضای این امیال بیشتر بکوشد بیشتر بردگی و اسارت خود به "دیگری بزرگ" را ثابت کرده است (موللی، ۱۴۰۱: ۲۱۶-۲۱۴).

از منظر لاکان و ژیرک تنها راه حقیقی آزادی، درک ساختار میل و شناخت میل حقیقی مان است. شبیه این دیدگاه را با اندکی تسامح و اغماض می‌توان در تعالیم اسلامی یافت. در دین مبین اسلام نیز آزادی حقیقی‌رهایی از سیطره‌ی امیال نفسانی (امیال دیگری بزرگ) و پیگیری و شناخت میل حقیقی (میل به شناخت خداوند) است. مسیر صحیح، شناخت میل واقعی و قرار دادن ارضای صحیح آن در چارچوب دینگرایی، همراه با عقلمداری است که این دو مهم، مؤید همدیگر نیز هستند.

نوآوری پژوهش حاضر تبیین و تحلیل این مساله است که با وجود ایدئولوژیک بودن انقلاب اسلامی ایران، این ویژگی نه تنها مانع فضای باز تفکر و تنفس اندیشه در جامعه نشده است، بلکه همان ایدئولوژی معنویت‌گرا در قالب انقلابی فراگیر، روح آزادی را در جامعه پرورانده است و این آزادی، موضع‌گیری صریحی را در برابر استبداد و انسداد سیاسی، در میان خواص و در گام بعد در توده‌های عوام، ایجاد کرده است.

۳. چهارچوب مفهومی

اگر آزادی را به معنای نبود عقلانیت در تعریف هنجارها و ناهنجاری‌ها و بی تفاوتی نسبت به رعایت یا عدم رعایت آنها در جامعه تفسیر کنیم؛ به این معنا که هر فرد هر رفتاری مخالف سعادت دیگران در جامعه ابراز نماید، چنین آزادی بی‌مبنایی، جایگاهی در رویکرد ایدئولوژیک معنویت‌گرا ندارد. زیرا نبود عقلانیت و نبود چهارچوب تعالی بخش، در انقلاب ایدئولوژیک جایگاه ندارد و این تفسیر از واژه ی «آزادی»، اشتباه است؛ همچنین حذف نگاه الهی در حوزه حکومت سیاسی- اجتماعی، تظہیر سرمایه‌داری مدرن تحت پوشش آزادی و حقوق بشر است که در حقیقت می‌توان آن را "عوام‌فریبی" مدرن نامید (منصوری لاریجانی، ۱۳۸۸: ۵۸). آزادی واقعی، رهایی از حصار هوی و هوس نفس و حرکت در مسیر تکامل و رهایی از حصار انسان‌های منحرف است که زمینه انحراف از مسیر تکامل را برای دیگران فراهم می‌کنند و از مهم‌ترین و بزرگترین موانع در مسیر آزادی، خودکامگی برخی منحرفین است که با استبداد و خودکامگی خود ذیل عنوان حاکم یا سلطان، به اجبار ملتی را از مسیر تکامل و حیانی و عقلانی جدا می‌سازند و ملتی را در مسیر هوی پرستی و ضعف سوق می‌دهند؛ آزادی، شکستن حصار سیاسی و پایان دادن به خودکامگی و استبداد و انحصار قدرت در یک خاندان موروثی است و در این پژوهش در پی تبیین پذیرش و توسعه ی چنین مفهومی در انقلاب ایدئولوژیک ایران در میان خواص و عوام هستیم. سلطنت‌های موروثی که یکی پس از دیگری قبضه‌کنندگان قدرت در خاندان خود بودند، با انقلاب ایدئولوژیک و بزرگ ایران، خاتمه یافتند و این رویکرد در جهان اسلام، اقتباس شده است.

۴. مفاهیم کلی

۱.۴ انقلاب

در لغت به معنی دگرگونی، زیر و رو شدن، تحول و تغییر (بنیادین) است است (معین، ۱۳۷۱: ج ۱، ص ۳۸۷) و در اصطلاح عبارت از «وضع‌ی را با اراده خود خراب کردن برای رسیدن به وضع بهتر» و یا «واژگون کردن وضعیت موجود برای برقراری نظم‌ی متعالی‌تر» و ابراز نارضایتی از وضعیت نامطلوب برای محقق ساختن وضع مطلوب (مطهری، ۱۳۶۸: ۸۶-۸۷) که با عظم، اراده و ایمان مردم به وجود می‌آید و با همین نیروی مردمی باقی می‌ماند. با این وجود فهمیده می‌شود «انقلاب، حرکتی تکاملی است که مسیر حرکت جامعه را اصلاح می‌کند و آن را در مسیر دیگری قرار می‌دهد که از نظر انقلابیون صحیح‌تر و رضایت‌بخش‌تر است» (شفیعی‌فر، ۱۳۹۱: ۴۱).

۲.۴ انقلاب ایدئولوژیک

مبنای برخی انقلاب‌ها، نگاه ایدئولوژیک و نوع جهان‌بینی خاص و تاثیرگذار یک جامعه است؛ به عنوان مثال انقلاب ایران، تحت تاثیر عمیق نگاه ایدئولوژیک دینگرا توسط نخبگان و مردم ایجاد شد. در این تحول ایدئولوژیک،

دگرگونی بنیادی در ساختار کلی جامعه و نظام سیاسی آن منطبق بر جهان‌بینی و ارزش‌های اسلامی و نظام امامت و بر اساس آگاهی و ایمان مردم و حرکت پیشگامان متقی، همگام با قیام قهرآمیز توده‌های مردم، انقلاب را ایجاد نموده است (عمید زنجانی، ۱۳۸۴: ۱۴).

۵. مخالفت علما با استبداد و جهت‌دهی مردم به ورود در سیاست

انحراف سیاسی الگوی حکومت و روی کار آمدن قالب حکومتی سلطنت به عنوان نظام سیاسی در دوره امویّه برای نخستین بار در جهان اسلام واقع شد و از آن دوره به بعد، رکنی مهم از فرهنگ سیاسی جامعه اسلامی شد؛ به نحوی که در جهان اسلام الگوی حکومت شایسته سالار بر مبنای لیاقت و علم و تقوا، به سوی «سلطنت موروثی» تغییر ماهیت داد و قدرت اجتماعی و سیاسی مسلمین در تاریخ و تمدن اسلام را برای قرون متمادی متاثر ساخت؛ هرچند این انحراف در سبک حکومت داری، در تضاد با اراده الهی و میل درونی عموم مسلمانان بود؛ لکن

این تغییر با روی کار آمدن امویان در جهان اسلام واقع شد. در دوران پس از بنی امیه نیز جهان اسلام به فرهنگ غلط سلطنت محور، خو گرفت و دنباله روی از این رویه غلط، هدف و رویکردی عملی برای سلاطین و نظام های سلطنتی در جهان اسلام شد؛ در قرن اخیر و دوره معاصر که عموم مسلمانان به دنبال ایجاد «حکومت های مردمی» در جهان اسلام هستند و تمایلی به تداوم نظام سلطنتی ندارند و به صورت نهان و بلکه آشکار با آن مقابله می کنند؛ رویکرد استبداد محور همچنان با تاکید بر گذشته سیاسی حکومت در جهان اسلام، بر استمرار و بقای سبک سلطنتی تاکید و پافشاری دارد و به شیوه های مختلف با موج «مردم سالاری خواهی» مقابله می کنند.

با این که دخالت عموم مسلمانان در امور سیاسی- اجتماعی و تشکیل حکومت ها و همراهی حاکمان و نقد خلفا و سلاطین و نظام حکومتی، از ضروریات الگوی اصیل حکومت اسلامی است و نمونه های برجسته ای از نقد سلاطین در جامعه اسلامی قرن دوم هجری و اوایل ایجاد نظام سلطنتی در منابع تاریخی موجود است (المناولی، ۱۳۵۶ق: ج ۳، ص ۵۰۹؛ ابن ابی شیبیه، بی تا: ج ۱۹، ص ۵۹۵)؛ لکن تأثیرات ناشی از سابقه مستمر نظام سلطنتی و طرز تفکر جدایی دین از سیاست و واگذاری حکومت به خاندان های سلطنتی و شائبه عدم نیاز حضور مردم در مسائل سیاسی و حکومت سلاطین که برگرفته از همین نظام استبدادی و سلطنتی است؛ نیاز به تبیین این مهم را موجب شد که متفکران آگاه و علمای متعهد، در مقام تبیین این مساله قرار گیرند که تعقل از تدین، و دین از مسائل سیاسی و اجتماعی و نیاز به حضور و مشارکت مردمی، جدا نیست!!! و مسلمان متدین می بایست نسبت به مسائل سیاسی و اجتماعی آگاهی داشته باشد؛ بلکه در فرایند اصلاح حکومت ها و همچنین ایجاد حکومت های الهی و مردمی و پشتیبانی از مسیر صحیح حکومت در جهت بسط اهداف و اصول متعالی دینی و عقلانی، دخیل و تأثیرگذار باشد. با توجه به اشکالات نظام سلطنتی و مخالفت علما در قرون متمادی با مبانی «سلطنت» و به خصوص با تاسی از قیام امام حسین علیه السلام در برابر نظام سلطنتی، در سده اخیر بسیاری از علما به نقد و مبارزه با رژیم سلطنتی پرداختند؛ فتوای دینی میرزای شیرازی علیه قرارداد سلطنتی، نگارش کتاب «تنبيه الامه و تنزيه المله» توسط علامه نائینی در نجف علیه سلطنت و لزوم دخالت مردم در سیاست، جریان سازی و شاگردپروری امام خمینی، مبارزات سیاسی و تبیین صحیح مسائل در رویکرد آیت الله خامنه ای، روش های متنوع مقابله با نظام سلطنتی و استبداد محور بودند که هر کدام از این روش ها در خط مشی سیاسی اجتماعی این عالمان بزرگ، ظهور و نمودی روشن دارد. با پیگیری ها و جهت گیری

ها و جهت دهی های دقیق خواص، رفته رفته توده های عوام همچون خواص در تجمعاتی عظیم در صف مخالفت با نظام سلطنتی قرار گرفتند. در مسیر مبارزه برای تحقق ایجاد نظام نوین مردمی، برخی مصلحان اجتماعی همچون کواکبی بر روی آگاهی مردم اصرار می ورزید و معتقد بود که آگاهی و بالا بردن سطح شعور سیاسی و دینی عموم مردم، استبداد و سوء استفاده را به شدت می کاهد. او در باب تقابل استبداد و آگاهی، بر پیگیری مردم برای احقاق حق و ارزش و معیار دانستن خواست و اراده مردمی، تاکید می ورزید. کواکبی در این باره می نویسد:

دانشمندان در انتشار آگاهی همی کوشند و مستبدان در خاموشی آن همی خروشدند و این دو همیشه عوام مردم را در کشاکش خود دارند. عوام کیانند؟ عوام هماناند که چون نادانند بترسند و چون بترسند تسلیم شوند و نیز هماناند که چون دانا شوند، سخن گویند و چون سخن گویند کارها به انجام رسد (کواکبی، بی تا: ۱۱۸ و ۱۸۲).

تاکید بر رفع مسأله استبداد دینی برخی از علما و تحت نفوذ دربار بودن آنها، و برجسته نشان دادن این مشکل از جانب آیت الله نایینی به عنوان عالمی برجسته و دینمدار، برای مبارزه با اندیشه علمایی بود که به جهت مخالفت با مشروطه مردمی، آگاهانه یا ناآگاهانه به مبارزات علیه استبداد سلطنتی، نگاهی مایوس کننده و بسته داشتند و آن را مغایر با شرع می دانستند و برخی از اقدامات آنها به نفع دستگاه سلطنتی در دوران محمد علی شاه و به ضرر جریان بیداری و توده ها و اقشار عمومی، تمام می شد (نایینی، بی تا: ۱۰۸ و ۱۴۲؛ صلواتی، ۱۳۷۹: ۱۷۲-۱۷۰). آیت الله نایینی (ره) استبداد را به کلی رد کرد و اسلام را با مساوات و آزادی قرین می دانستند؛ ایشان از استبداد و حاکمیت سلاطین بی کفایت قاجار انزجار داشتند و خواهان اصلاحات سیاسی در جامعه بودند. اما این اصلاحات را به سبک غربی و به نفع دستگاه استبداد و نظام استعمار نمی خواستند (نجفی و حقانی، ۱۳۹۱: ۳۳۵).

با روشن گری های علمای اسلامی و شکل گیری جریان بیداری اسلامی در میان خواص و عوام، مکت ایران وارد عرصه تقابل با نظام سلطنت قاجار و پهلوی شد. مشروطه ی ناکام در دوره قاجار، در پی محدود ساختن اختیارات شاه، متوقف و منحرف شد. این انحراف، زمینه هرج و مرج و تزلزل و سیطره استبداد را فراهم آورد و نتیجه موقت آن، سلطنت و استبداد رضاشاهی شد (سیاهپوش و همکاران، ۱۴۰۱: ۴۰)؛ حتی پس از رفتن قاجار، الگوی حکومتی در سلسله بعد نیز، همان استبداد و سلطنت بود که خود تبیین گر انحراف از مشروطه بود؛ زیرا مشروطه با هدف محدود کردن نفوذ سلطنت و مشارکت دادن مردم شروع شده بود. استبداد

سلطنتی در دوره قاجار و بخصوص پهلوی، نسبت به سلسله های سلطنتی قبل، ضعف مضاعفی داشت. علاوه بر قالب سراسر اشکال سلطنت و استبداد، وابستگی شدید به بیگانه در این دو دوره از استبداد داخلی، موج می زد.

ملت ایران، در پی مبارزات دامنه داری که در دهه چهل علیه سلطنت پهلوی و در قیام پانزده خرداد، عمیق تر و شدید تر شد؛ نهایتاً در دهه پنجاه از الگوی حکومت نامشروع سلطنت موروثی و استبداد محور، رهایی یافت. تغییر عمده ای که آرام آرام از دوره مشروطه به بعد در ایران به وجود آمده بود و بحث جدیدی را در اندیشه های سیاسی مطرح نموده بود؛ رابطه «مردم و مجلس» بود. با پایان سلطنت پهلوی ایران در ۱۳۵۷، «مجلس مردمی» تداوم قانونی خود را به صورت صریح تر و با اقتدار بیشتر پی گرفت؛ این مساله در کنار انتخابات مردمی خبرگان رهبری و مشخص شدن رئیس جمهور در فرایند آراء مردمی، مبدل به رکنی اساسی در کنار رکن اسلامی بودن نظام شد (نجفی، ۱۳۹۱: ۱۰). در نظام اسلامی، در عین اینکه اصل ۵ و ۵۷ قانون اساسی، ولایت مطلقه فقیه را ثابت می کند (ملک افضلی، ۱۳۹۳: ۵۲)؛ لکن این بدان معنا نیست که رهبری رهبر، الزاماً بدون داشتن شرایط، مادام العمر باشد؛ بلکه تداوم رهبری نیازمند داشتن شرایط است. اگر رهبر شرایط رهبری را از دست دهد؛ خبرگان رهبری که منتخب مردم هستند؛ تشخیص دهنده عزل خود بخودی رهبر از مقام خود، مطابق اصل ۱۱۱ قانون اساسی هستند (ملک افضلی، ۱۳۹۱، ۴۸) که تفاوت نظام اسلامی را در انتخاب حاکمان با استبداد سلطنتی، به روشنی نشان می دهد. این جدای از انتخاباتی است که در مورد رئیس جمهور، نمایندگان مجلس و شوراهای نیز برگزار می شود.

۶. رشد سیاسی انقلاب، در پرتو ایدئولوژی دینی

قیام های پیاپی ملت ایران و بذل جان و مال در پیروی کامل از رهبر انقلاب در مسیر احیای جهان بینی دینی و بیداری اسلامی، رشد بینش سیاسی ملت مسلمان ایران را به خوبی نشان می دهد. امام خمینی (ره) به ایجاد این رشد در ملت ایران، چنین استناد نموده اند:

آنچه موجب امید و آرامش است، طلوع بیداری ملت و رشد سیاسی طبقات مختلفه است. از رشد ملت است که نقشه های شوم اجانب که به دست شاه باید اجرا شود، مواجهه با مخالفت ملت می شود، رشد ملت است که حزب ساختگی شاه را با آن همه رعد و برق و اربده رسوا کرد و شاه را گرفتار آشفته گی و هیجان کرد، رشد ملت است که با همه ارباب و تهدید در انتخابات مفتضح شرکت نکرد مگر مشتی از جیره خواران و بستگان به دستگاه، رشد سیاسی

دانشجویان قدیم و جدید است که به تبلیغات چند صد ساله اجانب و نقشه های تفرقه انداز استعمار پشت پا زده و در صف واحد در مقابل رژیم، مردانه ایستاده و از حقوق ملت مظلوم دفاع می کند، و از شکنجه ها و حبس ها و محرومیت ها هراس ندارند، رشد سیاسی دانشجویان قدیم و جدید است که در بزرگداشت ۱۵ خرداد، روز رستاخیز ملت، در سراسر کشور به تظاهراتی دست زدند که شاه را دچار سرگیجه نمود و دستور حمله و وحشیانه به مدرسه فیضیه و دار الشفا، مهد تربیت اسلامی و کانون انفجار در مقابل ظلم و استبداد، صادر و محصلین قرآن و فقه اسلام را به اسم کمونیست پس از زجر و ضرب و جرح به زندان ها و سربازخانه ها کشاند که سرنوشت آنها معلوم نیست (سعادت‌مند، ۱۳۸۵: ۲۳۰).

قبل از وقوع انقلاب در جریانات مهمی چون نهضت تنباکو، نهضت مشروطه، جنبش ملی شدن صنعت نفت و قیام پانزده (عیوضی، ۱۳۹۰: ۸۸-۹۵)؛ اعتلای روح معنوی و تسلیم ناپذیری ملت ایران در برابر استبداد حاکمان قاجار و پهلوی به نمایش درآمد و در الگوی پیشرفت و تعالی که نخبگان دینگرا پیش روی ملت گشودند؛ تکامل روح معنوی و بازگشت به خویشتن و خودباوری را در رویکرد خود نشان دادند. موارد مذکور نشان دهنده این مهم است که میزان پذیرش عمومی و تاثیرپذیری ملت ایران از بیداری اسلامی، فراوان و فراگیر بوده و قدرت نرمی را در مقابل حکومت نظامی پهلوی ایجاد کرده که از بقای این رژیم سلطنتی جلوگیری کرده و بر حیات بیداری اسلامی افزوده است. موارد مذکور زمینه تاثیرگذاری شده بود که بستر ساز بسیج سیاسی در تظاهرات محلی شد و نهایتاً با تظاهرات مردمی گسترده تر در سطح کشور و اعتصابات و کنش های جمعی، به وقوع انقلاب انجامید (عیوضی، ۱۳۹۰: ۹۶-۱۰۴). تحولات مذکور در ایران به عنوان یکی از مهم ترین کشورهای مسلمان که دست نشانده غرب در منطقه بود و علیه استبداد داخلی و استعمار غربی قیام کرده بود؛ از جانب جهان اسلام نگریسته می شد. تداوم این روحیه پس از وقوع انقلاب، مقوله مهم دیگری است؛ تداوم هویت خواهی و استبدادستیزی و استقلال طلبی ملت ایران، پس از انقلاب در «جنگ تحمیلی» خود را نشان داد (عیوضی، ۱۳۹۰: ۱۱۸-۱۲۷)؛ تحولی که در ملت ایران ایجاد شد، هجرت به سوی حق بود. هجرت از خود به خدا بود؛ پشت به انانیت خود کردن و روی آوردن به رحمت الهی بود (عیسی نیا، ۱۳۸۸: ۱۰۳) که آزادی از بند هوی و هوس و تعالی دادن خود و جامعه از جهات معنوی و مادی را موجب شد.

آزادگی از هوای نفس انسان را به مسئولیت پذیری و ادای تکلیف می رساند و هدف در قیام انبیاء و اولیاء و فرهنگ دینی، ادای تکلیف بوده است (اسحاقی، ۱۳۸۸: ۸۳). از خود

گذشتگی در راه خدا و دفاع از حق، از با شکوه‌ترین تجلیات عاطفی روح انسان است (مطهری، ۱۳۸۸: ج ۱، ۳۶۵) که در پرتو آزادی و آگاهی و بصیرت به دست می‌آید. ملت ایران با اتکاء به ایدئولوژی اسلامی، علیرغم کمبود ادوات نظامی و نابرابری شدید در تجهیزات و مهمات جنگی، در هشت سال جنگ مستمر با رژیم بعثی عراق، همواره گوش به فرمان رهبر انقلاب و در جبهه‌های نبرد علیه دیکتاتوری حزب بعث و استعمارگران پشتیبان آن، فداکاری بی دریغ و روحیه شهادت طلبی خود را نشان دادند. استعمارگران از برچیده شدن نظام استبدادی وابسته به بیگانه در ایران رضایت نداشتند. عملیات‌های مختلف شکست حصر آبادان و فتح خرمشهر و عملیات مرصاد و نمونه‌هایی از جهاد مستمر ملت است که نشان از بیداری آنها و دیده شدن این بیداری توسط دیگر ملل اسلامی است که الگوبرداری از این بیداری همگانی در جهان اسلام، نتیجه آن می‌باشد. عملگرایی و شهادت طلبی بسیج مردمی و رزمندگان سپاه و ارتش در جنگ تحمیلی عراق علیه ایران، از مهم‌ترین عوامل برتری ملت ایران و حفظ استقلال کشور و کنترل اوضاع، در شرایط بحرانی بود. رشادت‌های ملت در طول هشت سال جنگ تحمیلی، بیانگر استقبال ملت ایران از «فرهنگ شهادت» است؛ چنان که در سال‌های نخست انقلاب هم، در جریان مقابله با رژیم پهلوی و منافقان، شهدای بسیاری را در یک مسیر مستمر، تقدیم بیداری سیاسی خود کردند؛ خون دادن و اهدای جان که فرایند و آزمونی سخت برای ملت هاست، موجب رخوت و سستی ملت ایران نشد و در آوردگاه‌های مختلف جهاد، حضور پرشوری نشان دادند؛ در آوردگاه و آزمون جنگ تحمیلی نیز نسبت به گذشته، روحیه فداکاری و شهادت طلبی در ملت ایران، عمق بیشتری یافت (اردستانی، ۱۳۷۳: ۲۴) فرهنگ ایثار و شهادت از بارزترین مصادیقی است که نشان می‌دهد آزادی واقعی در بی‌قاعدگی و هرج و مرج نیست بلکه در زندگی عاشقانه و ایثارمدارانه‌ای است که نه تنها تعارضی با قواعد هدفمند و تعالی بخش جامعه ایدئولوژیک ندارد؛ بلکه در گامی بلندتر و از افق دیدی بالاتر از هوی و هوس و بلکه بلندتر از قواعد عقلانی تعالی بخش، از خویشستن خویش عبور می‌کند و در مسیر استقرار قواعد و هنجارهای ایدئولوژیک عقلمدار و دین محور و سازنده و مفید، جان شیرین را فدا می‌کند. تداوم این روحیه از جمله موجبات اساسی شکست دشمنان در سرنگونی نظام جمهوری اسلامی گردید و وجود چنین روحیاتی نیاز مبرم حکومت‌های تازه تاسیس با رویکرد مردم سالار و دینمدار و ایدئولوژیک همچون عراق و یمن و... است؛ در غیر این صورت نظام‌های مردمی کم تجربه و نوپا، در ابعاد سیاسی و نظامی و... قادر نخواهند بود در مقابل استعمار غربی و سلطنت‌های دست‌نشانده و گروه‌های وابسته، دوام بیاورند. ملل

تبیین تعالی بیداری اسلامی در آینه تمام‌نمای انقلاب اسلامی (رحیم امرایی) ۲۴۳

اسلامی نتایج رشد سیاسی و دینی ملت ایران را در عزت و پیشرفت و استقلال ایران اسلامی، نظاره کرده‌اند و در این مسیر با دنباله روی از الگوی پیشرفت ایران، با علاقه و امید وارد شده‌اند. جنبش سیاسی ایران از سال ۴۱ به بعد به اجمال به دنبال اسلام و استقلال و رهایی از سلطه و استعمار بود و با پیروزی انقلاب در سال ۵۷ این اجمال و انقلاب مبدل شد به یک نظام سیاسی که از جنبش‌های سیاسی بالاتر و تاثیرگذارتر است زیرا علاوه بر جنبه نقد و نفی نظام سلطه، جنبه‌های اثباتی هم دارد (نجفی، ۱۳۹۰: ۸۱). قیام لارستان، نهضت تنباکو، نهضت مشروطه، نهضت جنگل، حرکت ضد استعماری آقاجانی اصفهانی و ملی شدن نفت، که ضد استبداد و استعمارستیز بودند؛ جنبه نفی بالایی داشتند که از دهه چهل و نهضت ۱۵ خرداد به بعد با جنبه اثبات گرایي در الزام به تشکیل حکومت دینی همراه شد (سیاهپوش و همکاران، ۱۴۰۱: ۳۷). حکومت دینمداری که استبدادستیز و آزادی خواه است در نگاهی ایدئولوژیک و تعالی بخش.

۱.۶ ایدئولوژی دینی و تحقق بخشی به نظام مردمی در ایران

جریان «بیداری اسلامی» که نتیجه تبلور مولفه‌های عقلانیت و دیانت در دهه‌های اخیر است، بر مساله حضور مردمی تاکید دارد و خواست ملل اسلامی را برای تشکیل نظام‌های مردم سالار، تشدید نموده است. در این فرایند، در کنار شاخص بودن و تعیین کننده بودن نظر مردم و لزوم مداخلت آنها در تعیین حاکم، می بایست نگاه و تلاش سیاسی مردم به دنبال اجرای ملاک‌ها و معیارهای الهی باشد و برای تحقق خلافت برگزیدگان الهی و تعالی اصول و اهداف دینی ظرفیت و توان خود را صرف کنند. پس انتخاب مردم می بایست انتخابی الهی باشد؛ و مدیران صالح و عالم و پاکدست را برای زعامت و مدیریت جامعه برگزینند؛ عموم مردم می بایست در مسیر تحقق حکومت ائمه برحق علیهم السلام و یا جانشینان حقیقی ایشان از علمای صالح، دغدغه و پویایی و حرکت عملی داشته باشند و این انتظار صحیح نیست که برگزیده الهی، قدرت را قبضه کند و بدون همراهی مردم، خود را بر آنها تحمیل کند و ائمه چنین رویکردی نداشته‌اند؛ بلکه مردم هستند که می بایست در پی قدرت یافتن عالم صالح و متقی باشند و پشتیبانی لازم را در مسیر اقتدار یافتن او عملی سازند.

خلافت خلفای الهی، از زمانی که از جانب خدا و رسول او معرفی شده‌اند؛ تحقق حقوقی می یابد؛ لکن تحقق ظاهری این امر و تشکیل خلافت ظاهری در جامعه، نیازمند پیگیری و حرکت عملی خواص و توده‌های عمومی مردم، در مسیر سیاسی و اجتماعی است. مردم با

حضور صحیح خود در صحنه های سیاسی، می بایست به دنبال برجسته ساختن و هموار نمودن مسیر حکومت و رهبری برگزیدگان و عالمان پارسایی باشند که بهترین امت هستند. این فرایند برای ایران اسلامی محقق شده و تبیین صحیح آن باعث علاقه مندی دیگر ملل اسلامی به ورود در این مسیر در قالب بیداری اسلامی شده است. این فرایند تحول ساز، در ایران با جریان انقلاب اسلامی و تاسیس نظام «جمهوری اسلامی» در دهه های اخیر تحقق یافت. فقهای عالم روی کار آمده، جانشینان برحق رسول خدا و ائمه اطهار علیهم السلام (مطابق احادیث و روایات) هستند؛ علمای پارسایی که ائمه اطهار (ع) در لزوم رجوع به ایشان فرموده اند «در امور پس از ما به راویان حدیث ما (علمای متقی) مراجعه کنید»؛ از سوی دیگر رهبران نظام جمهوری اسلامی به عنوان جانشینانی شایسته، از جانب مردم و با اراده و رای مردم، در چارچوب مشخص انتخابات خبرگان رهبری، حکومت را در اختیار گرفته اند. رهبری سیاسی جامعه در «جمهوری اسلامی» در اختیار نائب عام ولی خدا است و این نائب عام با رای و اراده و خواست مردم، «مقبولیت عمومی» هم یافته است. از سویی دیگر، ترویج و گسترش مراحل سیاسی اجتماعی ایران معاصر در دیگر ممالک اسلامی، یک نیاز اساسی برای تحقق تمدن نوین جهان اسلام است؛ صدور انقلاب بزرگ ایران و مختصات و مبانی آن در جهان و به خصوص در جبهه مقاومت، بدیهی است؛ چنانکه بنیانگذار انقلاب اسلامی، به این مهم به صراحت اشاره کرده اند. در شرایط کنونی برقراری مردم سالاری و انتخاب شایستگان حقیقی توسط جنبش ها و انقلاب های مردمی در عراق، یمن، بحرین، تونس، لیبی و سوریه، از جانب توده های عوام و با رهبری خواص ایشان، هدف سیاسی و اجتماعی مهمی است که توسط توده ها و جریانات و عموم مردم با جدیت پیگیری می شود. شکل یابی نظام مردمی در این ممالک اسلامی، اگر از ابتدا منجر به انتخاب جانشینان ائمه از فقهای برجسته و صالح نیز باشد، تحولی در چند گام و چند وجهی و مثبت است؛ در غیر این صورت، «برقراری اصل مردم سالاری» و ایجاد حق برای مردم در انتخاب و تایید حاکمان، فی نفسه یک تحول اساسی و مبنایی در فرهنگ و سیاست ملل اسلامی است که بستر را برای حکومت صالحان با تایید مردم فراهم می کند.

۲.۶ انقلاب و مردمی سازی نظام ها در جهان اسلام

انتخاب رهبران از جانب مردم و خاتمه ی استبداد موروثی، گامی بنیادین و تعالی بخش برای جهان اسلام است که در ایران پیموده شده و دیگر ملت ها نیاز به برداشتن این گام دارند. گذشته تاریخی سیاسی جهان اسلام با حکومت های سلطنتی سپری شده است، از این رو

علمای اهل سنت در گذشته از «خلافت راشده» و به خصوص «سلطنت موروثی» به عنوان الگوهای موجود، دفاع و طرفداری می نمودند با اینکه الگوی سلطنتی با اراده و خواست مردمی در نوع حکومت، قرابت نداشت و حاکمان با اراده و خواست عموم مردم روی کار نمی آمدند و غالباً بر مردم تحمیل می شدند. فرهنگ جوامع اسلامی تحت تاثیر سیطره مستمر نظام های سلطنتی، به شاکله استبدادی نظام های سیاسی در قرون متمادی خو گرفته بود و این مسئله به عاملی در ابقای الگوی سلطنتی در جهان اسلام تبدیل شده بود؛ در حقیقت این الگو، قرابتی با فرهنگ سیاسی اسلام و تمدن اسلام مدار نداشت و از همان ابتدا هم، تشکیل نظام سلطنتی با مخالفت خواص در جهان اسلام مواجه شده بود. تنزل و ضعف در الگوی حکومتی از جایگاه خلافت به سلطنت صورت پذیرفت و ابراز نگرانی از استقرار سلطنت توسط برخی حدیث نگاران در قرون نخستین اسلامی صورت پذیرفت (المنای، ۱۳۵۶ق: ج ۳، ص ۵۰۹؛ عسقلانی، ۱۳۷۹ق: ج ۱۳، ص ۲۱۳) این دغدغه در قرن معاصر در میان خواص به صورت جدی در قالب نیاز به مشارکت مردم در تعیین حکومت و رهبران، مورد واکاوی قرار گرفت؛ اتکاء به آراء مردمی در دیدگاه امام خمینی (ره) که تبیین گر انقلاب اسلامی و تعالی بخش بیداری اسلامی بودند به صراحت بیان شده است:

«چون اکثریت قاطع مردم مسلمان هستند، حکومت اسلامی از پشتیبانی آنان برخوردار شده و متکی به مردم می گردد» (بابایی، ۱۳۹۸: ۲۹).

مسلمانان در قرون معاصر در فرایند بازگشت به خویشتن قرار گرفتند و تاکید بر لزوم اتکاء به آراء مردمی از مرز خواص معاصر عبور نمود و به موجی فراگیر میان عوام و جریانات سیاسی تبدیل شد. وقوع انقلاب اسلامی ایران در گسترش این الگو، نقش اساسی داشت. در دهه های اخیر، حتی طیف گسترده ای از علمای اهل سنت هم تحت تاثیر تبیین و بیداری اسلامی، نسبت به نظام «سلطنتی» بدبین و معترض شدند و خواستار تغییر در الگوی حکومتی و استقرار «مردم سالاری دینی» هستند؛ میل و اراده علما به ساخت نظام های مردم سالار و دینمدار، با تاثیرپذیری از تحولات چهل ساله ی ایجاد شده در نظام سیاسی ایران، به مراتب تشدید شده است و در آینه تمام نمای ایران اسلامی، انعکاس های روشن تری در افق های بالاتر برای ایران و دیگر ملل اسلامی یافته است. موج اعتراضی نسبت به نظام های غیر مردمی، توده های عمومی را در اقاصا نقاط جهان اسلام با شدت و ضعف قابل توجهی فرا گرفته است. بیداری اسلامی، وقوع انقلاب و استقرار و تداوم نظام جمهوری اسلامی، در انتشار این موج در دل توده های عمومی، دارای نقش کلیدی و از علل اساسی و مقومات این تحول هستند.

گذشت چهار دهه از موجودیت جمهوری اسلامی بیانگر دوران تاسیس، تثبیت، تداوم و استقرار مقتدرانه این نظام در برابر تهدیدها و هجمه های فرهنگی، سیاسی و نظامی را نشان می دهد و از همین جهت «مردم سالاری دینی» را به عنوان الگویی برای دیگر ملل اسلامی در دوره معاصر، معرفی کرده و مولفه های برتر این نظام را تبیین کرده است. تبیین عملی برگرفته از تداوم حضور مقتدرانه انقلاب ایدئولوژیک ایران، منجر به الگوپذیری از جمهوری اسلامی شده است؛ قیام ملل اسلامی در برابر «سلطنت های استبدادی» در یمن، عراق، تونس و لیبی و بحرین تشدید شد و در صورت تداوم بیداری در جنبش های مردمی، امکان ایجاد مولفه ها و بسترسازی پیشرفت و تحول در جهان اسلام، به مراتب تشدید خواهد شد. عمق بیداری اسلامی در حرکت عملی ملل اسلامی و بازگشت به اصول اسلامی به خصوص مقابله با استبداد سلاطین و استعمار غرب است که آزادی معناداری را به ارمغان می آورد؛ برچیدن نظام های مستبد سلطنتی وابسته به غرب و جایگزینی نظام های مبتنی بر «مردم سالاری دینی» از مهم ترین اهداف و مبانی کلان در مسائل سیاسی- فرهنگی جهان اسلام است که از مناسبات مقتدرانه ی نظام ایدئولوژیک ایران، علی رغم توطئه های فراوان نشأت گرفته است.

۷. واکنش غرب نسبت به تشدید بیداری

ایجاد بیداری علیه سلاطین توسط ملت ایران و انعکاس تشدید آن در قلب ملل اسلامی علیه استبداد سلاطین وابسته به غرب، دغدغه و نگرانی خاصی را در مقام نظر و عمل برای ایالات متحده (به عنوان سردمدار قدرت غرب) ایجاد نموده است. در مقام نظر در باب تئوری پردازی ها و بررسی هایی که از ایران و جهان اسلام شکل گرفته و سازمان هایی که چنین ماهیتی دارند (و تعداد اندکی هم ندارند) تایید کننده شدت تاثیرگذاری ایران در مقام عمل بر جهان اسلام از جهت غرب ستیزی است که حائز اهمیت و اثبات کننده تعالی یافتن بیداری در جهان اسلام توسط انقلاب ایران است. اغلب مسائلی که به عنوان نظریه و تئوری از سوی کارشناسان آمریکایی در مراکز پژوهشی و بنیادهای مطالعاتی فعال آمریکا همچون شورای روابط خارجی (Council on Foreign Relation)، انسیتیتو بروکینگز (Brookings)، موسسه ایتنرپرایز (Enterprise American)، کمیته خطر جاری (Present Danger Committee)، مرکز بین المللی محققان ویلسون، مطرح می شوند؛ در واقع نتایج حاصل از تحلیل ها و خط مشی هایی است که به وکالت از طرف نهادهای دولتی همچون سازمان دولتی سیا، پنتاگون و شورای امنیت ملّی، صورت پذیرفته اند که در شناخت و نفوذ و مهار دولت های مخالف آمریکا بخصوص ایران

تبیین تعالی بیداری اسلامی در آینه تمام‌نمای انقلاب اسلامی (رحیم امرایی) ۲۴۷

موفق شوند؛ هرکدام از این موسسات با هزینه بالا، بخش مجزایی جهت شناخت و برنامه ریزی برای ایران دارند که به عنوان نقشه راه دولت‌های مختلف آمریکا تعیین می‌شود (محمدی، ۱۳۹۰: ۷۵-۹۰). نظریه پردازی هانتینگتون نیز یکی از گسل‌های تمدن‌خیز در برابر غرب را، جهان اسلام (با محوریت ایران) معرفی می‌کند. نظریه هانتینگتون در مورد «جنگ تمدن‌ها» (Crash of Civilizations) به عنوان یک تئوری و پیش‌بینی در واقع بخشی از نقشه راه آمریکا برای جهان فرداست. سیر اصلی مناقشات در عرصه سیاست جهانی نه از بین کشورها و دولت‌های ملی، بلکه از بین تمدن‌ها و فرهنگ‌های بشری و کشورهای دارای سابقه فرهنگی و تمدنی متفاوت عبور می‌کند. جنگ تمدن‌ها بر سیاست بین‌الملل سیطره یافته و خطوط گسل بین تمدن‌ها، خطوط جنگ‌های آینده را ترسیم می‌کنند. هانتینگتون بزرگ‌ترین خط گسل را بین تمدن مسیحی-یهودی غرب و تمدن اسلامی خاورمیانه بزرگ ترسیم می‌کند. این نظریه که به الگوی «ژئو کالچر» معروف است، امروز با گذشت چند سال از مطرح شدن آن بیشتر به یک نسخه سیاسی تجویز شده شبیه است، تا یک بحث تئوریک یا پیش‌بینی اوضاع سیاسی جهان (موحدیان عطار، ۱۳۸۶: ۵۶ و ۵۷؛ خیریه، ۱۳۹۳: ج ۳، ۴۸۱-۴۷۶). در این مسیر، از جهت عملی، مهار انقلاب ایران و جلوگیری از تبیین و صدور انقلاب با دامن زدن به شورش‌ها در اوایل انقلاب و تدارک جنگ تحمیلی هشت ساله و فتنه‌ها و تحریم‌ها، ایجاد گروه‌های تروریستی تکفیری بنیادگرا و متعارض با ایران و محور مقاومت، در کنار بنیاد نهادن رژیم صهیونیستی و پشتیبانی از آن صورت پذیرفته است و برای تداوم تجزیه‌ای که پس از جنگ جهانی بر جهان اسلام دیکته شد؛ سیاستی راهبردی برای غرب و ایالات متحده با هدف مهار و در اختیار گرفتن منابع جهان اسلام اعمال می‌شود.

تلاش تاریخی امپریالیسم و سلطه جهانی در طول دوران استعمار در مسیر غیر فعال کردن ظرفیت‌ها و توانایی‌های اسلامی و مسخ تمدنی، فرهنگی و فکری تمدن اسلامی است؛ دنیای غربی در مسیر پروژه تمدنی خود مبتنی بر «جهانی شدن انسان» با الگوی غربی و «غربی شدن رفتار و سبک زندگی» انسان است (تباخ، ۱۳۹۳: ج ۴، ص ۶۰۳)؛ در جبهه مقابل در بسیاری از مناطق جهان اسلام، خواست و اراده‌ای مشترک در واکنش به ناتوانی، سرکوب، عقب‌ماندگی و نیاز به ایجاد ساختاری یکپارچه در بستر تاریخی مشترک میان همه مسلمانان با گنجایش نقش آفرینی بالا در قالب بیداری اسلامی خود را نشان داد. ایران اسلامی با وقوع انقلاب ایدئولوژیک خود، روح آزادگی را در ملت‌های اسلامی تشدید کرد و در گام بعد، در تعالی دادن جنبش ملت‌های به پا خاسته، از جنبش‌ها پشتیبانی نمود؛ حمایت از مبارزه حق طلبانه مستضعفان در

برابر مستکبران در هر نقطه از جهان را در عین خودداری کامل از هر گونه دخالت در امور داخلی ملت‌های دیگر را نقشه راه خود قرار داده است (قمی، ۱۳۸۸: ۴۵).

۸. نتیجه‌گیری

گروه‌های سیاسی در جهان اسلام، در اکثر موارد تلاش کرده‌اند به نیازهایی پاسخ دهند که دیگران در پاسخ به آن‌ها ناکام مانده‌اند و باعث خروج آنها از حیطه کار سیاسی شده است؛ از مهم‌ترین این نیازها خروج از استبداد و عقب‌ماندگی، رهایی از استعمار با تمامی اشکال گوناگون آن و آزادسازی سرزمین‌های اشغالی در کشورهای اسلامی، دستیابی به وحدت ملی و ایجاد حکومت‌های مردمی بوده است. از نمونه کشورهایی که بیداری‌های اسلامی بزرگی در این شاخصه‌ها در آن رخ داده و در مسیر تعالی حرکت نموده و به عنوان الگویی موفق دیگر ملل اسلامی را در مسیر دستیابی به اهداف بزرگ قرار داده، جمهوری اسلامی ایران است که به رهبری امام خمینی (ره) و از طریق «انقلاب اسلامی» تحقق یافته است (احمد مصطفی و علی حسن مصطفی، ۱۳۹۳: ج ۴، ص ۳۵-۳۰).

حرکت مستمر نظام جمهوری اسلامی در اعتلای سطح فرهنگی در ابعاد بزرگ مردم‌سالاری و دینمداری و وحدت و ایجاد امنیت و ثبات در منطقه و ایجاد مشخصه اقتدار نظامی و سیاسی، و ماندگاری و تحول در برابر استعمار غرب و استبداد موجود در جهان اسلام طی چهار دهه، از مراحل تکامل انقلاب اسلامی و تحولی شگرف و تاثیرگذار در مسیر ایجاد «تمدن نوین اسلامی» است. اقتدار و شکوه مذکور، ایران را به الگویی برای سایر جنبش‌های مردمی اسلامی تبدیل نموده که در برابر سلاطین مستبد و استکبار جهانی بایستند و مسیر سیاسی فرهنگی ایران اسلامی را در مقابله با استبداد و استعمار دنبال نمایند. در این راستا مردم‌سالاری و دینمداری و استقلال، در برابر استبداد و ظاهرفریبی و وابستگی سلاطین عرب به تمدن مادی غرب، به خواستی عمومی در میان جنبش‌ها و عموم مسلمانان تبدیل شد.

کتاب‌نامه

- ابن ابی شیبه، ابوبکر. بی تا. /المصنف. تحقیق محمد عوامه. ج ۱۹. بی جا: دار القبلة.
ابن حجر عسقلانی، أحمد بن علی. ۱۳۷۹ق. فتح الباری شرح صحیح البخاری. ترقیم: محمد فؤاد عبد الباقي، تخریج: محب الدین الخطیب، تعلیق: عبد العزیز بن عبد الله بن باز. ج ۷، ج ۱۳. بی جا: بیروت: دار المعرفة.
اردستانی، حسین. ۱۳۷۳. «جنگ تحمیلی». مجموعه مقالات. تهران: انتشارات سپاه.

تبیین تعالی بیداری اسلامی در آینه تمام‌نمای انقلاب اسلامی (رحیم امرایی) ۲۴۹

بابایی، داود علی، ۱۳۹۸، *مصاحبه های امام خمینی (ره) در نجف، قم و پاریس*، تهران، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).

اسحاقی، حسین، ۱۳۸۸، *انقلاب عاشورایی «انقلاب خمینی (ره) پرتوی از عاشورای حسینی (علیه السلام)»*، قم، انتشارات خادم الرضا.

تباخ، سید احمد ابراهیم، ۱۳۹۳. «جریان‌های تکفیری و خدمت به برنامه‌های استعماری از طریق برافروختن جنگ‌های داخلی در کشورهای اسلامی». ترجمه هاشم جاسمی زرگانی. *مجموعه مقالات کنگره جهانی جریان‌ات تکفیری*. ج ۴. چاپ اول. قم: دارالاعلان.

خیریه، بهروز. ۱۳۹۳. «نقش گروه‌های تکفیری در تغییر نقشه منطقه». *مجموعه مقالات کنگره جهانی جریان‌ات تکفیری*. ج ۳. چاپ اول. قم: دارالاعلان.

ژیژک، اسلاوی، ۱۳۹۰، *عینیت و ایدئولوژی*، ترجمه علی بهروزی، چاپ اول، تهران، نشر طرح نو. سعادت‌مند، رسول. ۱۳۸۵. *انقلاب از آغاز تا پیروزی در نامه‌ها و پیام‌های امام خمینی قدس سره*. قم: تسنیم. سیاهپوش، امیر، شفیعی فر، محمد، راجی، سیدمحمدحسین. (۱۴۰۱). *انقلاب اسلامی؛ زمینه‌ها، دستاوردها و آسیب‌ها*. قم: معارف.

شفیعی‌فر، محمد، ۱۳۹۱، *انقلاب اسلامی؛ ماهیت، زمینه‌ها و پیامدها*، چاپ اول، قم، نشر معارف. صلواتی، محمد. ۱۳۷۹. *جمود و خشونت*. تهران: ذکر.

عمید زنجانی، اسماعیل، ۱۳۸۴، *انقلاب اسلامی و ریشه‌های آن*، چاپ پانزدهم، تهران، طوبی. عیسی‌نیا، رضا، ۱۳۸۸، *انقلاب و مقاومت اسلامی در سیره امام خمینی*، چاپ دوم، تهران، نشر عروج. قمی، غیاث‌الدین، ۱۳۸۸، *انقلابی به رنگ خدا*، چاپ اول، قم، اندیشه ماندگار. کواکبی، عبد الرحمان. بی تا. *طبایع الاستبداد (سرشت‌های خودکامگی)*. نقد و تصحیح محمد جواد صاحبی. بی جا: دفتر تبلیغات اسلامی.

لاکان، ژاک، ۱۴۰۲، *اضطراب*، ترجمه صبا راستگار کریمی، چاپ چهارم، تهران، انتشارات پندار تابان. محمدی، منوچهر. ۱۳۹۰، *انقلاب اسلامی در بوتۀ آزمون*. تهران: دانش و اندیشه معاصر.

مصطفی، احمد و علی حسن مصطفی، ۱۳۹۳، «تفاوت میان جنبش‌های انقلابی و جریان‌ات تکفیری و تروریستی»، ترجمه: میثم صفری، *مجموعه مقالات کنگره جهانی جریان‌ات تکفیری*، ج ۴، چاپ اول، قم، دارالاعلان.

مطهری، مرتضی، ۱۳۶۸، *پیرامون انقلاب اسلامی*، چاپ چهارم، تهران، صدرا. مطهری، مرتضی، ۱۳۸۸، *حماسه حسینی*، چاپ شصت و چهارم، ج ۱، تهران، صدرا. ملکوتیان، مصطفی، ۱۳۹۵، *سیری در نظریه‌های انقلاب*، چاپ نهم، تهران، قومس. ملکوتیان، مصطفی، جهانگیر، کیامرث، ۱۳۹۷، *انقلاب اسلامی: وقوع، پیامدها و راهکارهایی برای آینده*، چاپ نهم، قم، معارف.

- ملک افضلی اردکانی، محسن، ۱۳۹۳، *آشنایی با قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران*، چاپ دوم، قم: معارف.
- المناولی، عبد الرئوف. ۱۳۵۶ق. *فیض القدير شرح الجامع الصغیر*. ج ۳. چاپ اول. مصر: المكتبة التجارية الكبرى.
- منصوری لاریجانی، اسماعیل، ۱۳۸۸، *انقلاب اسلامی و اولویتهای آن*، قم، چاپ اول. انتشارات خادم الرضا (علیه السلام).
- موحدیان عطار، رسول. ۱۳۸۶. *چشم انداز خاورمیانه بزرگ، فراز و فرود دولت های ملی*. چاپ اول. تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی وزارت امور خارجه.
- موللی، کرامت، ۱۴۰۱، *مبانی روانکاوی فروید_ لکان*، چاپ هفدهم، تهران، نشر نی.
- نایینی، محمد حسین. بی تا. *تنبيه الامه و تنزيه الملة*. تهران: شرکت سهامی انتشار.
- نجفی، موسی. ۱۳۹۱. *تفکر و تمدن*. چاپ اول. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- نجفی، موسی. ۱۳۹۰. *تمدن برتر*. چاپ اول. اصفهان: آرما.
- نجفی، موسی و فقیه حقانی، موسی. ۱۳۹۱. *تاریخ تحولات سیاسی ایران*. تهران: مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر.